

# از بهار عربی تا نخستین بهار

## نگاهی به زمینه‌های شکل‌گیری نخستین بهار

در سال‌های اخیر، گرایش به مطالعه زمینه‌گرایانه اندیشه متفکران با تأکید بر شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه آن‌ها افزایش چشم‌گیری داشته است. به نظر می‌رسد جامعه‌شناسی معرفت بیش از سایر حوزه‌های دانشی با این رویکرد زمینه‌گرایانه، قرابت دارد و متکفل اصلی آن است. بر این اساس، نمی‌توان از تفکر محض و ناب‌ی سخن گفت که خارج از بافت‌های اجتماعی و فرهنگی قابل فهم باشد، بلکه اندیشه‌اندیشمندان در طول تاریخ همواره متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه‌ای بوده‌اند که در آن می‌زیسته‌اند. در بررسی زمینه‌گرایانه اندیشه‌ها با نوعی تقدم عمل بر نظر مواجهیم که نشانگر تأثیرات عمیق گفتمان مسلط بر شرایط اجتماعی و فرهنگی هر جامعه بر تفکرات و اندیشه‌های صاحبان فکراست.

بر همین اساس، مواجهه متفکران مسلمان با پدیده چندوجهی مدرنیته شرایط نوینی را پدید آورد که ضرورتاً اندیشه‌ورزی و تاریخ‌نگاری را در واکنش به این پدیده معطوف ساخت؛ فرهنگ و تفکر مدرن امری بود که نویسندگان و اهل قلم نمی‌توانستند آن را نادیده بگیرند و به ناچار خود را ملزم به نوشتن در چارچوبی می‌دیدند که مولود مدرنیته است؛ حال چه نگاه مثبتی به این پدیده داشته باشند چه منفی. مواجهه مسلمانان با فرهنگ و سیاست مدرن، به‌ویژه پس از فروپاشی خلافت عثمانی، نوعی احساس عقب‌ماندگی تمدنی در میان مسلمانان ایجاد کرد و آنان را به پرسشی تکراری برای روزگار ما رساند: چرا ما چنین شدیم؟ در همین نقطه بود که تاریخ به مثابه حامل سنت اسلامی و دستاوردهای آن مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفت



محمد صالح معزنی‌نیا

پژوهشگر تاریخ اسلام

